

## نقد مبانی قرآنیون اهل سنت معاصر درباره نفی معجزات النبی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

صمد مومنی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱

محمد مهدی تقدیسی<sup>۲</sup>

سیده فاطمه حسینی میرصفی<sup>۳</sup>

چکیده

درباره رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نظریه‌ای است که می‌گوید، آن حضرت، معجزه‌ای جز قرآن نداشته است. این نظریه در بین مسلمانان و غیرمسلمانان (مستشرقین) از قدما و معاصرین طرفدارانی دارد. قرآنیون اهل سنت معاصر با پذیرش معجزه بودن قرآن، از انتساب هر گونه معجزه به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) ابا دارند. مبانی ایشان «تقابل معجزات النبی با اصل علیت»، «عدم حجیت سنت» و «تفکیک دو بعد بشری و رسالی پیامبر» (صلی الله علیه و آله وسلم) است. نوشتار حاضر درصدد پاسخ به این سوال است که نفی هرگونه معجزه برای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) برچه مبانی استوار است؟ آیا این مبانی تحمل نقد را دارند؟ روش مطالعه در این تحقیق از نوع پژوهش اسنادی، به صورت توصیفی - تحلیلی و با هدف نقد مبانی این جریان فراهم آمده است. درک ناقص از اصل علیت، ناتمام بودن استدلال‌ها، برخورد گزینشی با آیات قرآن کریم و بی‌توجهی به روش‌های تفسیری از نقدهای وارد بر این نگره است.

**کلید واژه‌ها:** قرآنیون، معجزه، معجزات النبی، مبانی.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

sm9128488031@chmail.ir

۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده

مستول) m. taqhdisi@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

mirsafy@yahoo.com

موضوع نفی هر گونه معجزه برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) موضوع تازه‌ای نیست. از جمله نظریه‌های قرآنی - کلامی که در بین عده‌ای از دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان مطرح بوده و در دنیای مدرن، دوباره بدان پرداخته می‌شود، نظریه «انحصار معجزه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در قرآن» برای تحدی و اثبات رسالت است.

اینان به گواه مستندات از آیات قرآن بر این باورند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) معجزه‌ای جز قرآن نداشته است، حال آنکه دیدگاه مشهور بلکه اجماع مسلمانان، این است که نبی مکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) علاوه بر قرآن، معجزات دیگری چون شق القمر و رد الشمس داشته است. قدر مسلم اینکه قرآن معجزه اصلی و جاودانه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) است که اختصاص به زمان یا مکان خاصی ندارد. تعبیری چون المعجزه الكبرى و ام المعجزات در همین راستاست. قرآنیون اهل سنت معاصر که ما در این پژوهش به طور خلاصه قرآنیون می‌نامیم، معجزات النبی را انکار می‌کنند.

قرآنیون نخبگانی تجدیدنظرطلب و متعلق به یکی از لایه‌های فکری و اجتماعی فعال در سیر تحولات اجتماعی هستند. تجدیدنظرطلبان اگرچه در ابتدا در زمینه‌سازی یا ایجاد تحولات اجتماعی حضور دارند، اما به تدریج و در گذر زمان نسبت به ایدئولوژی، مبانی فکری و ارزش‌های اولیه خود تردید کرده و در نهایت از آنها عدول می‌کنند و حتی ممکن است جریانات مخالف با آن را ایجاد یا همراهی کنند (شرابی، ۱۹۲۷م، ص ۱۶-۱۷). این جریان از درون اهل سنت برخاسته و هویت ایشان را به چالش کشیده است. (بابایی،

مکاتب تفسیری، ج ۲، ص ۱۲۷)

قرآنیون در اصل ادامه و جلوه افراطی اندیشه نص‌گرا در میان اهل حدیث است. در واقع قرآنیون از درون اهل حدیث برخاسته‌اند، گرچه ظاهراً مخالفان سرسخت اهل حدیث بودند و عملاً به همان اندیشه‌ای پایبند بودند که اهل حدیث بر آن تاکید داشتند و آن انکار مرجعیت مدارس فقهی و عالمان سرشناس آنها و بازگشت به اسلام اصیل بود (آقایی، فصلنامه معرفت کلامی، ۱۳۸۹ش، ص ۹۳).

ایشان نخست به حجیت حدیث اعتقاد داشتند، اما در مواجهه با احادیثی که فهم آنها مشکل می‌نمود، در اندیشه جزمی اهل حدیث تردید کردند. پس می‌توان قرآنیون را محصول تناقض موجود میان اندیشه‌های اهل حدیث به شمار آورد (همان). تحولات اجتماعی قرون ۱۹ و ۲۰ اروپا و تاثیر غیرقابل باور آن بر تمامی جوامع و ملل به‌ویژه در کشورهای اسلامی، موهم تقابل سنت و مدرنیته شد. در مواجهه با این تقابل، گروهی به‌کلی آن را رد کرده و بر سنت اصرار ورزیدند، گروه دوم، در بست آن را پذیرفته و سنت را نفی کردند، اما گروه سوم تلاش کردند تا با نگاه اصلاحی، نقاط حادثه‌خیز سنت را اصلاح کنند. این اصلاح‌گاہ با جراحی شدید و گاهی بخشی از آن نفی و رد می‌شد. این جریان در قرن سیزدهم به عنوان جریانی سازمان یافته در شبه قاره هند، مصر، سوریه، لیبی، سودان و سایر سرزمین‌های اسلامی سر برآورد.

پژوهشگران درباره سرچشمه این اندیشه و منطقه آغاز آن همداستان نیستند. گروهی برآنند که این جریان در هند توسط سید احمد خان هندی پدید آمد و از آنجا به مصر و سپس دیگر سرزمین‌های اسلامی سرایت کرد و در برابر، کسانی مصر را زادگاه این اندیشه و برخی عراق را آبشخور آن معرفی می‌کنند. برخی از عالمان اهل سنت سرچشمه جریان را

شبّهات خوارج (یا به پندار آنها شیعه) و گروهی دیگر شبّهات خاورشناسان می‌دانند. (روشن ضمیر، ۱۳۹۰ش)

همزمان با شروع این جریان از شبهه قاره توسط سیداحمدخان هندی ادبیات مخالفت و نقد این جریان توسط سیدجمال‌الدین اسدآبادی با نگارش رساله نیچریه (ظفرالله رندها، ۱۳۸۶ش) شروع شد و نگارش کتاب‌ها و مقالات فراوانی در دفاع از حجیت سنت و حدیث در شبهه قاره (همو؛ اخوان مقدم، فصلنامه سفینه، ش ۵۷) و کشورهای عربی (الهی بخش، ۱۴۲۱ق) ادامه یافت و تاکنون نیز ادامه دارد.

### پیشینه بحث

کتاب‌ها و مقالات فراوانی درباره قرآنیون، آرا و مبانی آنها نگارش شده است، اما این منابع یا هرگز به معجزات النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نپرداخته و یا به اشاراتی کوتاه و گذرا بسنده کرده‌اند. در این بین، سه اثر (یک کتاب، یک رساله کارشناسی ارشد و یک مقاله) به این موضوع توجه کرده‌اند و از بین این سه اثر تنها جورج طرابیسی در کتاب «المعجزه او سبب العقل فی الاسلام» به تفصیل معجزات النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را بررسی و رد کرده است. سید زوار حسین نقوی نیز در رساله «بررسی و نقد مبانی و آرای تفسیری سرسید احمد خان هندی» تنها در فصل هفتم اندکی به موضوع کلی معجزه پرداخته و از معجزات النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) سخنی به میان نیاورده است. دکتر مهرناز گلی نیز در «نقد و بررسی دیدگاه سید احمد خان هندی در مورد معجزه» تمامی مقاله را به موضوع معجزات از دیدگاه سید احمد خان اختصاص داده و به معجزات النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نپرداخته است. امتیاز این مقاله این است که صرفاً به معجزات

النبي (صلى الله عليه وآله وسلم) از دیدگاه قرآنیون اهل سنت معاصر می‌پردازد و علاوه بر ذکر آرای تک تک قرآنیونی که در این باره اظهار نظر کرده‌اند، به نقد مبانی آنها مبادرت می‌کند.

### آرای قرآنیون درباره معجزات النبي (صلى الله عليه وآله وسلم)

جریان قرآنیون در شبه قاره با سید احمد خان هندی (۱۸۹۷-۱۸۱۷م) شروع می‌شود. او در تفسیر القرآن وهوالهدی والفرقان، دیدگاه‌های جنجال برانگیزی درباره ملائکه، نبوت و معجزات دارد. او همچون دیگر مفسران متاخر به یافته‌های علمی بسیار توجه کرده است. (الهی بخش، ۱۴۲۱ق) سید احمد خان شفاعت، حیات برزخی، نسخ، عصمت و وحی را انکار، احادیث را نقد و امور خارق العاده خاصه معجزات را در تضاد با قانون علیت و قانون‌های علمی و طبیعی دانسته و آنها را نفی کرد. (هندی، ۱۳۳۲ش) معجزه بزرگ قرآن را در این می‌بیند که قرآن با حقیقت امور مطابق است و هر چه درجه علم پیشرفت کند، الفاظ و کلمات قرآن هم با آن مطابقت خواهند داشت و در صورت تغییر یافته‌های علمی در خواهیم یافت که نقصان از علم ما بوده و قرآن از هر نقصی مبرا است. (هندی، ۱۳۳۲ش) او در تفسیر آیات مربوط به معجزات و امور خارق العاده، با تعمیم این قاعده کلامی که «خداوند از وعده خود تخلف نمی‌کند»، مراد از وعده‌ها را قوانین حاکم بر جهان و مصداق آیه «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» (فتح: ۴۸) می‌شمارد. او معتقد است، خداوند هم وعده قولی دارد و هم وعده فعلی؛ بنابراین، معجزات را درتغایر با این سنتها و وعده‌های الهی می‌بیند (روشن ضمیر، ۱۳۹۰ش، ص ۵۰)

محمد ابوزید دمنهوری مصری (۱۹۱۱-۱۹۴۰م) صاحب تفسیر الهدای والعرفان فی

تفسیرالقرآن بالقرآن است که در دار الدعوه تحت اشراف محمد رشید رضا آموزش دیده است. ابوزید در تفسیرش، معجزات قرآن را بر خلاف آنچه مسلمانان در طول قرن‌های گذشته می‌فهمیدند تفسیر کرده و این برهان را آن چنان تاویل کرده تا جزو چیزهایی خارق العاده شمرده نشود (روشن ضمیر، ۱۳۹۰ش، ص ۵۰). دمنهوری در این تفسیر، معجزات انبیا را انکار و آنها را با تاویلات ناهمگون و غیر منطقی بیان داشته است و مثلاً درباره معجزه دمیدن حضرت عیسی علیه السلام در گل پرنده، ابراء اکمه و ابرص، احیاء موتی و انبیا از ذخایر مخاطبان در منزلشان گوید: مقصود از طیر، پرواز از سنگینی و ظلمات جهل به سوی سبکبالی و نور علم است. اکمه رنگارنگ شدن بر خلاف فطرت است که عیسی علیه السلام با تعالیم عالیه خود آنان را بصیرت بخشیده و به فطرت اصیل باز می‌گرداند، مقصود از «انبتکم» آموزش تدبیر خانه‌داری است و... (روشن ضمیر، ۱۳۹۰ش، ص ۹۵).

احمد صبحی منصور مصری (۱۹۴۷م-زنده) می‌گوید: پیامبر خدا محمد علیه السلام، مطلقاً هیچ آیه و معجزه حسی و مادی نداشته است و تنها معجزه وی همان قرآن کریم می‌باشد. (صبحی منصور، ۲۰۰۵م)

محمد شحرور سوری (۱۹۳۸-۲۰۱۹م) با تعریفی مدرن از اعجاز، آن را بر اساس عدم ترادف، به بخشی از آیات قرآن محدود کرده است (عسکری، انسیه رفعت، محسن، دو فصلنامه مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، ش ۶، ۱۳۹۶ش، ص ۱۰۵). شحرور در کتاب «نحو اصول جدیدة للفقہ الاسلامی» (شحرور، ۲۰۰۰م، ص ۱۹۶) احادیث پرتکرار معجزات النبی از قبیل شق الصدر را مستبعد دانسته و آن را مخالف با مبنای «انحصار معجزه در قرآن» می‌داند. او این معجزات را موجب بی‌تاثیری قرآن، عقل و فکرمی شمارد.

سامر اسلامبولی سوری (۱۹۶۳-...) برای پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یک

«آیه» بیشتر قائل نیست و آن قرآنی است که برهان نبوت و صدق رسالت اوست. سامر اسلامبولی اصطلاح معجزه را قبول نداشته و از لفظ قرآنی «آیه» استفاده می‌کند. از فرامتن کتاب «نبی الاسلام غیر نبی المسلمین» (اسلامبولی، ۲۰۱۸م) و «تحریر العقل من النقل» (اسلامبولی، ۲۰۱۹م) اوفهمیده می‌شود که اعتقادی به معجزات انبی ندارد. ایشان در پاسخ به سوال نگارنده در خصوص معجزات انبی می‌نویسد: انبی محمد لیس له إلا آیه واحده وهی القرآن وهو برهان نبوته و صدق ادعائه. وی سپس ادامه می‌دهد: أنه ثبت بشكل قطعی أن النبی عرض ای آیه أخرى علی صدق نبوته غیر القرآن و القرآن ذکر ذلک صراحة (اسراء: ۹۳؛ یونس: ۱۵؛ نساء: ۱۷۴)

نیازی عزالدین در جلد اول کتاب انذار من السماء در باب «اسباب التاخرالذی یعانی منه المسلمون فی العالم الاسلامی» اولین اسباب عقب افتادگی مسلمانان را «هجر القرآن» معرفی می‌کند. که عوامل زیادی را در دل دارد. باز از فرامتن این کتاب، انکار معجزات انبی که حدیث حامل آن است را نتیجه می‌گیریم. (عزالدین، ۱۹۹۰م: ۱/۵۴۶)

ابن قرناس<sup>۱</sup> (زاد، ۱۳۹۸ش، ش ۲، سال پنجم) در الحدیث و القرآن (ابن قرناس، ۲۰۰۸: ۳۵۱) بعد از ذکر چند نمونه از معجزات حسی پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) با استدلال به آیات ۱۱۸ بقره، ۳۵ انعام و ۲۰۳ اعراف معجزات حسی آن حضرت را نفی

۱ هیچ منبع قابل اعتماد مکتوبی در بدست دادن تصویر روشنی از این محقق در دست نیست. بدین جهت، به نقل مطالبی از صفحه شخص اینترنتی او می‌پردازیم. ابن قرناس در خانواده ای متدین معروف در عربستان سعودی پرورش یافت. تحصیلات دانشگاهی خود را در دانشگاه اسلامی امام محمد بن سعود در ریاض به پایان رساند. او پژوهش را با هدف تحصیل معرفت خود آغاز کرد و اندیشه تألیف کتاب، پس از ۵۰ سالگی و تنها جهت نشر حقایق قرآنی بر خاطرش گذشت، بی آنکه میل شهرت طلبی و مریدپروری در وجودش نهفته باشد؛ از این رو، نام «ابن قرناس» را بجای نام اصلی خود برگزید. (ابن قرناس، ۲۰۱۵م، <https://www.facebook.com>) (زاد، ۱۳۹۸ش، شماره ۲، سال پنجم)

می‌کند. او بعد از اشکال کردن به احادیث ناله درخت و معجزات حسی دیگر به نقل از سنن دارمی و صحیح ابن حبان می‌نویسد: «والنقطه الاخری التي جانب التوفیق فیها القاص، هو تعارض قصته مع عشرات الآيات التي تنفی نفیا قاطعا ان يكون الرسول محمد قد اوتی معجزه حسیه». (همان، ص ۳۶۱)

مصطفی کمال‌المهدوی (۱۹۳۲م- زنده) در نقد حدیث «معجزه جوشش آب بین دو دست پیامبر» بنقل از صحیح مسلم و صحیح بخاری می‌نویسد: «لم یکن صلی الله علیه و آله وسلم فی حاجه الی ماء یتفجر من بین یدیه، فان جهاد الذین عمیت ابصارهم عن النورالذی انزل الیه یکفیه، ولم یکن فی حاجه الی غیرالقرآن و اتباع آیاته دلیلا علی صدق رسالته، . . القرآن هو آیه صدقهِ». (المهدوی، ۱۹۹۰: ۶۲۷/۲)

رشاد خلیفه (۱۹۳۵-۱۹۹۰م) در اثبات نظریه اعجاز عددی و نظم ریاضی قرآن چنان افراط کرد، که دو آیه آخر سوره توبه را از قرآن ندانست؛ چرا که نظم ریاضی و اعجاز عددی او را بر هم می‌زند. او در کتاب «اسلام: قرآن و حدیث» تنها قرآن را منبع قابل اعتماد دانسته و در این رهگذر هیچ نقشی به پیامبر (اکرم صلی الله علیه و آله و سلم) نمی‌دهد. او به کلی حجیت سنت و اعتبار حدیث را زیر سوال برده و نفی می‌کند. از فرا متن مکتوبات او نفی معجزات النبی فهمیده می‌شود. (خلیفه، ۱۹۸۲م)

ادیپ یوکسل (۱۹۵۷م- زنده) شاگرد و طرفدار رشاد خلیفه در کتاب «Manifesto for Islamic Reform» می‌نویسد: مسلمانان پس از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هزاران حدیث ساخته و دو قرن بعد آنها را جمع‌آوری و جوامع حدیثی را ایجاد کردند. برای ایمان آوردن مردم غیرمسلمان معجزاتی چون معراج و شق القمر را برساختند (یوکسل، ۲۰۱۸م) درحالی‌که محمد هیچ معجزه‌ای جز قرآن نشان نداد. (همان منبع)



قاسم احمد مالزیایی (۱۹۳۳-۲۰۱۷م) معتقد است، احادیث فراوانی وجود دارد که از معجزات النبی حکایت دارد. او با استناد به آیات ۵۰ و ۵۱ سوره عنکبوت انتساب هر معجزه‌ای جز قرآن را نفی می‌کند (Ahmad, Kassim, 1977).

محمد عابد الجابری مراکشی (۱۹۳۶-۲۰۱۰م) علت اصلی عقب ماندگی مسلمانان را هجوم عوامل خارج از فرهنگ و تراث مسلمانان می‌شمارد (الجابری، ۱۹۸۶م؛ ۱۹۹۱م؛ ۱۹۹۴م؛ ۲۰۰۰م). در مقابل جورج طرابیسی (۱۹۳۹-۲۰۱۶م) علت اصلی عقب افتادگی مسلمانان را عامل درونی می‌داند. از نگاه او اعتبار بخشیدن به حدیث و سنت موجب پیدایش اسلام حدیث در مقابل اسلام قرآن شد (طرابیسی، ۲۰۱۰م).

طرابیسی<sup>۱</sup> مترجم، اندیشمند و نظریه پرداز سوری و نویسنده ۵ کتاب در نقد «نقد عقل عربی- اسلامی الجابری مراکشی» (مسجدی، ۱۳۹۷ش) تنها فردی است که به تفصیل به موضوع معجزات النبی پرداخته است. وی کتاب «المعجزه او سبات العقل فی الاسلام» را به هدف نقد معجزات منسوب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) سامان داده است. طرابیسی بر اساس کتابهای مقدس تورات، انجیل و قرآن کریم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را پیامبری بدون معجزه معرفی می‌کند (طرابیسی، ۲۰۰۸م). او در یک تحلیل تاریخی معجزات منسوب به آن حضرت (صلی الله علیه وآله وسلم) را برساخته مسلمانان می‌داند. انگیزه این برساختگی در این است که چون تازه مسلمانان با زبان عربی که زبان

۱ جرج طرابیسی در آخرین یادداشتی که منتشر نمود زندگی خود را در شش مرحله خلاصه کرده و پیرامون نحوه تکوین شخصیت علمی خود، توضیحاتی ارائه نمود. او نحوه جدا شدن از باورهای مسیحی و سپس گرویدن به پان عربیسم و در مرحله بعد یک آگزیستانسیالیسم تمام عیار شدن و بعد مارکسیسم را تجربه کردن و سپس عضویت در حزب بعث و بعد از آن چرخش به سمت لیبرالیسم را توضیح می‌دهد او در پایان کار به سنت عربی اسلامی باز می‌گردد و در خوانش جدید و نقد میراث فکری اسلامی و عربی متمعن می‌شود.

قرآن است آشنا نبودند؛ بنابراین، اعجاز بیانی قرآن در آنها هیچ تاثیری نداشت، تنها راه اقناع مردم برای پذیرش اسلام را استفاده از انتساب معجزات به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) دیدند. طرابیسی این چنین اسلامی را اسلام فتوحات در مقابل اسلام قرآن می نامد؛ زیرا اسلام قرآن بر اساس اعجاز قرآن و اسلام فتوحات نتیجه معجزات النبی است. (طرابیسی، ۲۰۱۰م)

### مبانی و آرا

«مبانی، گزاره‌های بنیادین و زیرساختی هستند که هم جواز و حقانیت یک دانش یا موضوع علمی را اثبات می‌کنند و هم پس زمینه‌های ذهنی شخص عالم و متخصص در آن دانش یا موضوع علمی را ثابت می‌کنند» (تجری، محمدعلی؛ روحی دهکردی، احسان، ۱۳۹۴ش، ش ۴). بر این اساس، مبانی هر علم، باورهای بنیادینی هستند که در قالب مجموعه‌ای از قضایا، بخشی از مبادی تصدیقی آن علم را تشکیل داده، اصول موضوعه آن علم شناخته می‌شوند و مسائل آن علم بر آنها استوارند (سبزواری، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ص ۸۸-۸۷).

آرای اندیشمندان و متفکران بر مبانی آنها بنیان نهاده شده است؛ بنابراین، برای بررسی و نقد آرا بهترین روش، کشف مبانی و سپس نقد آنهاست. آرای قرآنیون درباره معجزات النبی بر ۳ مبنا استوار است:

### مبنای اول: اصل علیت

برخی قرآنیون چون سیداحمدخان هندی هرگونه امورخارق العاده از جمله معجزات را نفی می‌کنند و این بدان جهت است که امور خارق العاده درتقابل با قانون علیت است (الهی بخش، ۱۴۲۱ق). ایشان برای خروج از تقابل راه تاویل را طی می‌کنند. ابوزید

دمنهوری نیز در تفسیر الهدایه والعرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن، معجزات قرآن را بر خلاف آنچه مسلمانان در طول قرن‌های گذشته می‌فهمیدند، تفسیر کرده و این برهان را آن چنان تاویل کرده تا جزو چیزهای خارق العاده شمرده نشود. او در این تفسیر، معجزات انبیا را انکار و آنها را تاویل ناهمگون و غیر منطقی می‌کند (روشن ضمیر، ۱۳۹۰: ۵۰).

### مبنای دوم: عدم حجیت سنت و حدیث

عده‌ای چون عزالدین نیازی می‌گویند، احادیث حامل و حاکی معجزات نبی است و از آنجا که سنت و حدیث اساساً اعتبار ندارند، محتوای آنها نیز اعتبار ندارد (عزالدین، ۱۹۹۶: ۷۴۶).

### مبنای سوم: تفکیک نبی و رسول

عده‌ای دیگر چون جورج طرابیشی تحلیل خاصی در نفی معجزات نبی دارند. معجزه‌شناسی طرابیشی بر پیامبرشناسی و قرآن‌شناسی او استوار است. (طرابیشی، ۲۰۰۸م) پیامبرشناسی طرابیشی:

درست است که پیامبر مامور برگزیده خداوند است (فاطر: ۴۲) اما دو جنبه کاملاً جدا از هم دارد. جنبه بشری (کهف: ۱۱۰) و جنبه رسالی. موارد قرآنی «یاایهاالنبی» (احزاب: ۴۸) جنبه بشری و موارد «یاایهاالرسول» (مائده: ۶۷) جنبه رسالی و غیر بشری اوست به عبارت دیگر، پیامبر دو جنبه حقیقی و حقوقی، نبوی و رسالی، بشری و الهی دارد؛ بنابراین، سخنان پیامبر یا وحی است یا غیر وحی. آنجا که ماموریت ابلاغ وحی الهی را بر عهده دارد، سخنانش وحیانی و آن زمان که در غیر حوزه ماموریت سخن می‌گوید، غیر وحیانی است. سخنان وحیانی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) حجیت دارد، اما سخنان غیر وحیانی او که سنت نامیده می‌شود و حدیث حامل آن است، مسموع نبوده و مطاع نیست؛ بنابراین، سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از جنبه غیرالهی او صادر شده و

اعتبار ندارد و ممکن است خطا و اشتباه باشد. از طرف دیگر سنت قولی و فعلی او مقید به زمان خودش بوده و عمومیت زمانی و مکانی ندارد. سخنان غیر وحیانی حضرت که ناشی از جنبه بشری اوست هرگز همسنگ وحی نیست و قابلیت تدوین چون قرآن ندارد؛ بنابراین، پیامبر از تدوین و کتابت سنتش منع کرده و خلفای اول و دوم نیز به پیروی از او مرتکبین را مجازات می‌کردند. خلاصه اینکه نتیجه پیامبرشناسی طراییشی به تفکیک نبی و رسول می‌انجامد. (طراییشی، ۲۰۰۸م)

#### قرآن شناسی طراییشی:

طراییشی چون دیگر قرآنیون قرآن را معجزه می‌داند با این تفاوت که معجزه نبی را منحصر در قرآن می‌داند. او معتقد است، قرآن اعجاز بیانی دارد. اعجاز بیانی قرآن که مبتنی بر زبان عربی است تنها برای عرب زبانان تاثیرگذار است. عجم از اعجاز بیانی قرآن بهره‌ای نمی‌برد. آنها چون عربی نمی‌دانند تاثیر اعجاز بیانی قرآن، موجب ایمان ایشان نمی‌شود. پس ایمان مسلمان عرب صدر اسلام تاثیر اعجاز قرآن و اسلام ایشان برخاسته از قرآن است، اما اسلام سرزمین‌های عجم که بر اثر فتوحات مسلمان عرب به تصرف درآمد، اسلامی برخاسته نه از اعجاز بیانی که بر اثر برساختن معجزاتی منسوب به پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است. این اسلام برخاسته از تاثیر معجزات النبى را اسلام نبوی می‌گوید.

#### معجزه شناسی طراییشی:

از نظر طراییشی معجزات دو دسته‌اند: معجزاتی که پیامبران پیشین (آل عمران: ۴۹؛ اعراف: ۱۰۷ و ۱۰۸) داشته‌اند و تورات، اناجیل و قرآن آنها را تایید می‌کند و دیگری قرآنی که تنها معجزه پیامبر است. این معجزه چنان است که پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برای تصدیق رسالت خویش به هیچ معجزه دیگری نیاز نداشته و درخواست مشرکین و کفار مبنی بر آوردن معجزات اقتراحی برخلاف خواست خداوند (طراییشی، ۲۰۰۸: ۱۱-۱۷) و

مصلحت خودشان (طرابیسی، ۲۰۰۸: ۱۷-۲۷) است؛ پس محمد بن عبدالله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیامبری بدون معجزه است. خلاصه اینکه طرابیسی با کودتا علیه عقل برآمده از معجزات النبی درصدد است تا عقل گرفتارآمده در بند سنت، حدیث و معجزات را آزاد سازد. او این شورش را یک انقلاب کوپرنیکی نامیده و تصریح می‌کند که فقط قرآنیون، شایستگی رهبری این انقلاب را دارند. (طرابیسی، ۱۸۱: ۲۰۰۸-۱۸۳)

### نقد مبانی آرای قرآنیون درباره معجزات النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)

یکی از موثرترین روش‌های سنجش کیفیت و شناسایی نقطه‌های قوت و ضعف اندیشه‌ها، کتاب‌ها و مقالات «نقد» است. نقد امکانی سودمند برای پالایش فقره‌های اطلاعاتی است (درودی، ۱۳۹۳: ۲۲۱). اهمیت و ضرورت نقد متون و اندیشه‌ها زمانی آشکار می‌شود که بدانیم با خدشه‌دار شدن صحت و درستی، اعتبار، کاربرد، تاثیر، ارزش و اثربخشی اطلاعات، خسارت و زیان‌های فراوانی در زندگی بشر خواهد داشت (درودی، ۱۳۹۱: ۳۲).

### نقد تقابل با اصل علیت:

اصل علیت، مشهورترین تفسیر نظام حاکم بر جهان هستی است.<sup>۱</sup> این اصل نظام حاکم بر پدیده‌های هستی را بر علت و معلول استوار می‌داند؛ یعنی «هر معلول علتی دارد». در کیفیت این علت، چهار نظر وجود دارد که عبارتند از:

۱. اعجاز معلول علت طبیعی ناشناخته: این رویکرد متعلق به طرفداران اصل علیت و

انحصار فعل و انفعالات مادی به علل طبیعی است. برخی متألهان بر این باورند

که آورنده معجزه، با شناخت و تسلط بر یک سلسله علل طبیعی که بر سایر

۱. اصل علیت، اصل صدفه، اصل عادت الهی و اصل رویه مداوم طبیعت چهار نظریه برای تفسیر نظام حاکم بر طبیعت و جهان هستی هستند.

انسان‌ها مجهول و ناشناخته مانده، دست به معجزه زده است؛ پس اعجاز مطابق قوانین علیت و طبیعت انجام می‌گیرد و در حقیقت، توقف و خرقی در بین نیست؛ مثلاً یک راه طبیعی تبدیل عصا به مار این است که عصا بعد از پوسیدن، خاک شدن، تبدیل به گیاه و خوردن حیوان طی سال‌های طولانی به مار تبدیل می‌شود. راه دیگر آن که شناخت علت یا علت‌های طبیعی تبدیل مستقیم و سریع عصا به مار است که این راه برای دیگران پوشیده و راز آن تنها برای پیامبران کشف شده است. توضیح اینکه آورنده معجزه به جای استفاده از علت‌های طبیعی معمولی و شناخته شده از علت‌های جایگزین برای مقصود خود استفاده می‌کرد، که برای دیگران ناشناخته مانده بود. در این فرض، پیامبر دست به تسخیر و تصرف علل معمول طبیعت نمی‌زند؛ بلکه از علل طبیعی سریع استفاده می‌کند.

۲. اعجاز معلول علت طبیعی تسخیر شده: مدعای دیدگاه فوق، این است که پیغمبر با ولایت تکوینی خود، دست به تسخیر و تصرف علت‌های طبیعی و معمولی عالم طبیعت می‌زند و با دخل و تصرف، به فعل و انفعالات مادی آنها شتاب بخشیده و زمان معلولی را که بر حسب عادت تحقق آن منوط به گذشت زمان زیادی است، به حداقل ممکن تقلیل می‌دهد. این نوع اعجاز بر حسب عقلی ممکن بوده و هیچگونه استبعادی ندارد. مانند تغییر و تحولاتی که امروزه از سوی دانشمندان تجربی؛ مثلاً راهکارهایی که در زمینه کشاورزی به منظور به حداقل رساندن زمان رشد و باروری محصولات اعمال و استفاده می‌شود.

۳. اعجاز نقض طبیعت: قرائت عمومی از معجزه، نقض و خرق قوانین طبیعت قرائت عمومی از معجزه است. با این توضیح که خداوند حکیم برای تدبیر عالم

طبیعت یک سلسله قوانین و علت‌های تکوینی در آن نهاده است. به اصطلاح وقوع رویدادها نه صرف عادت و توالی محض که مکتب اشاعره است؛ بلکه مستند به علت‌های پیشینی است که با تحقیق آنها، وجود حوادث پسین به عنوان معلول، ضرورت پیدا می‌کند؛ مثلاً ارتباط آتش با حرارت ارتباطی تکوینی «علی-ومعلولی» است. مقتضای قانون طبیعت ایجاب می‌کند که با وجود آتش، وصف احراق و سوزاندن نیز محقق گردد؛ چرا که تفکیک این دو محال است. مطابق قرائت فوق، وقوع معجزه در عالم طبیعت، قوانین آن را نقض و خرق می‌کند، در عین حال، اتقان و اعتبار اصل علیت و استناد تمام پدیده‌ها به علت‌های خاص، به قوت خود باقی است و معجزه تنها خارق قانون طبیعت بوده و قوانین طبیعی را متوقف و ایستا می‌کند. علل فرا طبیعی در صورت حذف و توقف علت‌های طبیعی، جانشین آن می‌شود؛ مثلاً علت طبیعی شفای یک بیمار، مصرف داروی مخصوص در طول زمان است، اما ممکن است این بهبودی با علتی فراطبیعی نیز به دست آید که تأثیر آن در زمان کمتری است، چنان که حضرت عیسی علیه السلام با الهام الهی از آن شیوه سود می‌برد.

#### ۴. اعجاز، نقض علیت و فعل مستقیم خدا (جمع قاعده و استثنا): بیشتر

خداباوران بر این باورند که معجزات مطابق قانون طبیعت و اصل علیت انجام نمی‌گیرد، تا بتوان با تعمیم علیت‌های فراطبیعی، به معجزه‌ها تصویر عقلانی و فلسفی بخشید؛ بلکه می‌بایست در تبیین آن تنها به دخالت مستقیم خداوند قادر در دستگاه آفرینش تکیه کرد. به دیگر سخن، نظام عالم مبتنی بر اصل سببیت و علیت (قاعده) است که به اعتباری فعل غیر مستقیم خداوند به حساب می‌آید، اما

معجزات در حقیقت، فعل مستقیم خدا، استثنا و نقض قوانین حاکم بر طبیعت هست. پس می‌توان در توجیه و تبیین نظام عالم، «قاعده» و «استثنا» را جمع کرد. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۰ش، ش ۳۸، ص ۱۳۵-۱۴۹)

انکار معجزات النبی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به دلیل تقابل با اصل علیت، پذیرفتنی نیست؛ زیرا:

۱. انحصار علیت در علت‌های مادی و طبیعی، انحصاری بدون دلیل است؛ چرا که:  
 ۱-۱- مدلول اصل علیت این است که هر معلولی علتی دارد. این اصل صرفاً ضرورت علت برای معلول را اثبات می‌کند، اما شناخت علت‌های خاص هر پدیده، از خود قانون علیت به دست نمی‌آید. کما اینکه لازمه این قانون صدور همیشگی معلول‌ها از یک دسته علل عادی و شناخته‌شده نیست.

۱-۲- هرچند اصل علیت و سنخیت میان علت و معلول، اصلی کلی و عقلی است، شناخت علت یا علل خاص هر یک از پدیده‌ها، معمولاً از راه تجربه به دست و عقل بدون کمک گرفتن از تجربه نمی‌تواند این علل خاص را بشناسد. (مصباح یزدی، ۱۳۶۵: ۶۷/۲-۷۳)

۱-۳- از سوی دیگر، تجربه نیز با محدودیت‌هایی که دارد، نمی‌تواند انسان را برای شناخت همه علت‌های یک پدیده در همه زمان‌ها و مکان‌ها یاری کند. حتی با بررسی صدها و هزارها مورد، باز عقل جایز می‌داند که یک پدیده علت ناشناخته دیگری نیز داشته باشد. برای نمونه، انسان روزگاری طولانی تنها علت حرارت را خورشید می‌پنداشت، تا اینکه آتش را



کشف کرد. شاید هزاران سال نیز بر این باور بود که از راه دیگری نمی‌توان حرارت ایجاد کرد؛ ولی کم‌کم دریافت که عوامل دیگری مانند اصطکاک و حرکت نیز موجب پیدایش حرارت می‌شود. شاید عوامل دیگری نیز برای تولید حرارت در طبیعت باشد که تاکنون کشف نشده است؛ اما این به معنای نقض قانون علیت نیست؛ چون این قانون بدیهی، علتی خاص و انحصاری برای پدیده‌ها مشخص نمی‌کرد. در مثال بالا، با کشف علت‌های جدید برای حرارت، روشن می‌شود که علت حرارت منحصر به آنچه تاکنون کشف شده بود، نیست.

۴-۱- پذیرش اعجاز تنها به معنای قبول علتی غیرمادی و معنوی برای پدیده‌های مادی است که با موهبت پروردگار متعال در نفس پیامبر محقق می‌شود، اما آموختنی نیست؛ بنابراین، معجزه محال ذاتی نیست که فرض آن مستلزم تناقض باشد. حتی با توجه به قدرت مطلق خداوند و توانایی انسان، معجزه محال وقوعی نیز شمرده نمی‌شود؛ زیرا تحقق علتش ممکن است و فرض آن نیز به معنای فرض یک معلول بدون علت نیست؛ زیرا علتی دارد که البته ناشناخته است.

۲- استدلال به آیات «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فتح: ۲۳)؛ «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر: ۴۳) و «ان الله لا یخلف المیعاد» (هندی، ۱۳۳۲ش) برای انکار معجزات تمام نیست؛ زیرا:

۱-۲- تصریح آیات متعدد به وقوع معجزات و امور خارق‌العاده، دلیل محکمی بر نادرستی این ادعاست.

۲-۲- سنتی که در آیات به آن اشاره شده است، مربوط به امور انسانی است و ربطی به امور طبیعی ندارد. اگر به صدر این آیات و آیات پیش از آنها بنگریم، درمی‌یابیم که موضوع آنها نزول عذاب الهی بر مشرکان و منافقان است. (مصباح یزدی، ۱۳۶۵: ۱۳۴؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵۸/۱۷؛ ۱۸/۳۱۳)

۲-۳- وقوع معجزه به دست پیامبران الهی، خود یکی از سنت‌های خداوندی است؛ زیرا طبق سنت الهی، پیامبران مأمور هدایت انسان‌ها هستند و برای اینکه مردم از آنان پیروی کنند، ابتدا باید پیامبری ایشان ثابت و حجت بر مردم تمام شود و این امر تنها با آوردن معجزه محقق می‌شود. ۳- معجزه یک امر ضروری است.

اینکه معجزه نه تنها امری ممکن بوده و خلاف اصل علیت نیست؛ بلکه یک ضرورت است. وجه ضرورت معجزات، اثبات نبوت و اتمام حجت می‌باشد. تعالیم انبیا مطابق عقل و فطرت انسانهاست، اما برخی تعالیم برای فهم و عقل مخاطبان قابل درک نبوده است؛ بنابراین، از ایشان طلب معجزه می‌کردند. (ابراهیم: ۱۰)

#### نقد عدم حجیت سنت و اعتبار حدیث

اگر از اختلاف نظرهای قرآنیون (بلخاری قهی، ۱۳۹۶: ۱۳۲) صرف نظر کنیم، این نظریه (عدم حجیت سنت و اعتبار حدیث) که مبنای انکار معجزات نبی قرار گرفته است، خود بر مبنای متعددی چون «جامعیت تفصیلی حقایق قرآن» (الهی‌بخش، ۱۴۲۱: ۱۰۷ و ۱۰۸؛ صبحی‌منصور، ۲۰۰۵: ۱۵؛ ابن قرناس، ۲۰۰۸: ۱۵)، «انحصار جاودانگی الفاظ و معانی در قرآن» (شربینی، ۱۴۲۹: ۱۷۹)، «تعلق اراده الهی بر حفاظت انحصاری

از قرآن» (حجر: ۹؛ فصلت: ۴۱-۴۲)، «نفی اصالت تاریخی روایات نبوی از جهت کتابت» (عبدالخالق، ۱۳۱۴: ۳۹۳؛ حب‌الله، ۲۰۰۶: ۵۱۲)، «انحصار قداست در کتاب خدا» (حکیم، ۱۳۹۰: ۱۲۹)، «نفی وجود ابهام در احکام و آموزه‌های دینی در سایه امکان فهم» (الهی‌بخش، ۱۴۲۱: ۱۰۷؛ ذهبی، ۱۳۹۶: ۵۲۷/۱؛ شحرور، ۲۰۰۰: ۶۰۴) و «روابودن- تدبر در قرآن» (نساء: ۶۹۵؛ صاد: ۳۵)، «انحصار تشریح در قرآن» (ابن‌قرناس، ۲۰۰۸: ۱۴) با استناد به آیات قرآن» (انعام: ۵۷)، «و حیانی نبودن سنت» (شحرور، ۲۰۰۰: ۵۷۲)، «معصوم نبودن پیامبر» (صبحی منصور، ۲۰۰۵: ۵۹)، «شُرک آمیز بودن سنت» (ابن‌قرناس، ۲۰۰۸: ۱۴)، «تاریخی و زمان دار بودن سنت» (شحرور، ۲۰۰۰: ۵۵۲)، «مخدوش بودن سنت از نظر سند و متن» (ذهبی، ۱۳۹۶: ۵۲۳/۲) و «متفرق بودن سنت» (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۲۳۸) بنا شده است.

از جمله اشکالاتی که مبانی قرآنیون در نفی حجیت، احراز و اثبات سنت با آن مواجه است، از این قرار است:

الف) «اثبات اعتبار و حجیت سنت گفتاری و غیرگفتاری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با دلیل عقلی که از فلسفه رسالت و نبوت» (حلی، ۱۴۰۳: ۳۴۸؛ بوعلی، ۱۳۷۳: ۴۴۱-۴۴۳) و «ممتنع بودن صدور گناه و غفلت از آن حضرت» (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۳۰۹/۱۶-۳۱۳) بهره می‌گیرد.

ب) آیاتی که در آنها سخن از «مفسر بودن بودن پیامبر» (نحل: ۱۶ و ۶۴؛ بقره: ۱۵۱؛ آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۶۲)، «حجیت داوری پیامبر» (مائده: ۴۴-۴۹)، «و حیانی بودن سنت» (نجم: ۴ و ۳)، «برابری اطاعت از پیامبر با اطاعت الهی» (نساء: ۵۹)، «معرفی پیامبر به عنوان الگوی حسنه» (احزاب: ۲۱) و «لزوم تمسک به تمام آموزه‌های پیامبر» (حشر: ۵۷)

دارد.

ج) «عدم انحصار وحی الهی در قرآن» و «یکسان بودن منشأ حجیت قرآن و سنت»، «برخورد گزینشی با آیات قرآن» و «بی توجهی به سیاق» (ایازی: ۱۳۸۰ ش)

د) «حجیت داشتن ظاهر قرآن بر اساس سیره عقلا» (میرشمسی، ش ۸۳) و «عدم جواز برداشت ذوقی از قرآن» (رضائی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۵-۲۶)

ه) «اهتمام پیامبر و بزرگان صحابه به حفظ و نشر سنت» (عسکری، ۱۴۲۶: ۷۲/۲) و «دست یابی به سنت معتبر از راههای قطعی و غیرقطعی» (حکیم، ۱۳۹۰: ۱۹۳)

### تفکیک نبی و رسول:

این مبنا از قرون اولیه اسلام هم موضوع بحث بوده و آرا و دیدگاه‌های مختلفی در بین اهل سنت و شیعه به خود اختصاص داده است. آرای مفسران و متکلمان اسلامی درباره نسبت نبی و رسول یا بر تغایر است یا بر تساوی. برای هر یک از دیدگاه‌های فوق تقریرهای مختلفی ارائه شده است (اورنگی، ۱۳۹۸: ش ۲۴).

الف) تساوی: در این دیدگاه هیچ فرقی بین نبی و رسول نبوده و قرآن کریم هر یک از آن دورا بجای یکدیگر بکار برده است. (قاضی عبدالجبار، ۱۴۲۲: ۳۸۳؛ قونوی، ۱۴۲۲: ۸/ 518؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۶۵/۹)

ب) تغایر: در این دیدگاه چهار تقریر وجود دارد:

۱- تفاوت نبی و رسول در ماموریت ابلاغ وحی: در این دیدگاه رسول به معنای مُرسل و

نبی را به معانی، مُخبر، عظیم الشان و غیر مُرسل گرفته‌اند.

- بر اساس اشتقاق از واژه نبأ (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۸/۳۸۲)، نبی به معنای مخبر است و مامور به ابلاغ نیست. (طبری، ۱۴۱۲: ۱/۲۵۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۲/۳)

- براساس اشتقاق از واژه نبو (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵/۳۸۲)، نبی به معنای عظیم الشان است و مامور به ابلاغ نیست. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۵/۳۸۰؛ شربینی، ۱۴۲۵: ۱/۶۰۰؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۸/۴۲۱)

- نبی به معنای غیرمرسل است. (ابن عباس، ۱۴۱۲م؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۴؛ رشید رضا، ۱۴۱۴: ۹/۲۵۵)

۲- تفاوت در داشتن کتاب آسمانی.

- نبی به معنای بدون کتاب (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۲/۳؛ تفتازانی، ۱۴۰۹: ۵/۵)

- نبی به معنای دارای معجزه (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۶۵)

- نبی به معنای مخبر (زمخشری، ۱۴۰۷: ۲۲؛ نسفی، ۱۴۱۶: ۳/۶۱)

۳- تفاوت در داشتن شریعت مستقل (جاحظ، ۲۰۰۰: ۲۰۰؛ قیصری، ۱۳۸۱: ۲۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۹/۱۶۵)

۴- تفاوت در رویت مَلْک (قرطبی، ۱۳۶۴: ۸۰/۱۲، ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷/۳۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۲/۲۳۶؛ طبری، ۱۳۷۶: ۵۹)

تقریر طرابیشی در تفکیک نبی و رسول بسیار متفاوت از تقاریر بالاست بگونه‌ای که نتیجه این تفکیک، عدم حجیت سنت و بدون معجزه بودن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است درحالی‌که در تقاریر گذشته گفته شده چنین نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود. طرابیشی با

استناد به چند دسته از آیات<sup>۱</sup>، پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را بدون معجزه معرفی می‌کند.

### نقد طرایشی:

۱. برخورد گزینشی (selective) و غیر منظومه‌ای: طرایشی برای اثبات نظریه خود به چند دسته آیات تمسک می‌کند که مدعای او را اثبات کند و آن دسته از آیات که در موضوع دخالت دارند اما او را به آن نتیجه نمی‌رساند از بحث خارج می‌کند. بعبارت دیگر برخورد گزینشی با آیات قرآن کریم اولین اشکال در روش‌شناسی اوست. نمونه نقض این روش، آیاتی چون شق القمر (قمر: ۲)، انباء از غیب (آل عمران: ۴۴؛ هود: ۴۹؛ یوسف: ۱۰۲) صراحت قرآن کریم است.

۲. آیات متعدد در قرآن کریم گواه آن است که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با وصف نبی همان شوونی را داراست که برای وی با وصف رسول ثابت است؛ مثلاً از «آیه النبی اولی بالمومنین» (احزاب: ۶) فهمیده می‌شود که اولویت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نسبت به مومنین با وصف نبی است، آیه ۱۶۳ سوره نساء پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را با وصف نبی دریافت‌کننده وحی معرفی می‌کند و با آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ سوره اعراف و نیز ۸۱ سوره مائده از ضرورت تبعیت از ایشان و ایمان به او از آن جهت که نبی است، سخن می‌گوید.

۱. دسته اول: انعام: ۳۷؛ یونس: ۲۰؛ عنکبوت: ۷؛ رعد: ۷؛ دسته دوم: انعام: ۳۵؛ هود: ۱۲؛ یونس: ۹۵-۹۴؛ دسته سوم: بقره: ۱۱۸؛ انعام: ۱۰۹؛ انعام: ۱۲۴؛ طه: ۱۳۳؛ انبیاء: ۵؛ عنکبوت: ۵۰؛ دسته چهارم: هود: ۱۲؛ فرقان: ۸؛ اسراء: ۹۰-۹۳؛ دسته پنجم: انعام: ۱۰۹؛ عنکبوت: ۵۰؛ رعد: ۳۸؛ کهف: ۱۱۰؛ فتح: ۲۹؛ مومنون: ۲۴؛ مومنون: ۲۳-۲۴؛ اسراء: ۴۹؛ فرقان: ۷؛ دسته ششم: اسراء: ۸؛ رعد: ۸؛ اعراف: ۱۸۷؛ انعام: ۵۰؛ انعام: ۵۹؛ یونس: ۲۰؛ نمل: ۶۵؛ یوسف: ۱۲۳؛ اعراف: ۱۸۸؛ انعام: ۵۷-۵۸.

۳. بی‌توجهی و بهره‌برداری از سیاق موجب انحراف تفسیر از مجموعه آیات قبل و بعد است. این امر آیات را از یکدیگر گسسته و پیوستگی معنایی آن را نادیده می‌گیرد. (مصباح، ۱۳۶۵ش) طرایشی به هنگام استدلال به آیات قرآن کریم هرگز به ارتباط قبل و بعد آیات منتخب توجه نکرده و هر آیه را جدای از متن بررسی و نتیجه می‌گیرد. فهرست کردن آیات قرآن در دسته‌های شش‌گانه در کتاب المعجزه او سبب العقل فی الاسلام به خوبی این را نشان می‌دهد. مثلاً طرایشی برای اثبات انحصار رسالت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در ابلاغ وحی به آیاتی استناد می‌کند که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را از سبقت گرفتن بر قرآن و یا عجله بر نزول وحی و یا حتی آرزوی بر این تعجیل بر حذر می‌دارد: «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ» (طه: ۲۰/ ۱۱۴) «و در خواندن قرآن، پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد، شتاب مکن». وی در توضیح این آیه می‌نویسد: بر اساس کتب تفسیری، این آیه به دنبال حکمی نازل شد که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیش از نزول وحی بر آن حکم کرده بود، حکمی که بعداً با نزول وحی نقض گردید آنچنان که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) خود فرمود: من امری را اراده کردم و خداوند بر غیر آن اراده فرمود (طرایشی، ۲۰۱۰م، ص ۱۴). از دیدگاه طرایشی این آیه و آیات دیگر نظیر آن، همچون آیات بیست و سوم تا بیست و چهارم سوره کهف و نیز آیه پنجاه و دوم سوره حج به روشنی بر عدم اذن خداوند بر صدور حکم از جانب رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیش از نزول وحی تصریح نموده و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به خاطر پاسخگویی به سؤال مخاطبان پیش از نزول وحی سرزنش می‌نماید (طرایشی، ۲۰۱۰، ص ۱۵) طرایشی در استفاده به این آیه سیاق را در نظر نگرفته است. دقت در

سیاق و مدلول آیات مورد استناد طراییشی خواننده را از انحراف فهم آیات باز میدارد. سیاق آیه مورد بحث، شهادت می دهد که در این آیه تعرضی نسبت به چگونگی تلقی رسول خدا) ص (بر وحی قرآن شده است، و؛ بنابراین، ضمیر در (وحیه) به قرآن برمی گردد و جمله (ولا تعجل بالقرآن) نهی از عجله در قرائت قرآن است و معنای جمله (مِنْ قَبْلِ انْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ) این است که قبل از تمام شدن وحی از ناحیه فرشته وحی، در خواندن آن عجله مکن. این آیه می رساند که وقتی وحی قرآن برای آن حضرت می آمده، قبل از اینکه وحی تمام شود، شروع به خواندن آن می کرده است؛ بنابراین، این آیه به آن حضرت تذکر می دهد که در قرائت قرآن و قبل از تمام شدن وحی آن عجله نکند، پس آیه مورد بحث در معنای آن آیه دیگر است که می فرماید: لَا تُحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنْ عَلَيْنَا جَمْعُهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ (قیامت: ۷۵/۱۸-۱۶)؛ «زبان را به خواندن آن حرکت مده و عجله مکن، جمع آوری آن و خواندنش با ماست. پس وقتی آن را خواندیم تو با ما بخوان» و مؤید این معنا جمله بعد است که می فرماید: (وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا)، برای اینکه جمله (لَا تَعْجَلْ.. وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا) می رساند که مراد استبدال است؛ یعنی به جای اینکه در آیه ای که هنوز به تو وحی نشده عجله کنی، علم بیشتری طلب کن. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۲۱۴) این منع ابتدایی از تعجیل در قرائت، مراتب بالاتری را نیز شامل شده، بر عدم تعجیل بر نزول آیات به منظور پاسخگویی به سؤال مخاطبان نیز دلالت می کند؛ خداوند متعال در پی وعده پیامبر در پاسخ به سؤال یهودیانی که با هدف آزمایش وی سؤالاتی طرح کرده بودند، پس از چهل شبانه روز آیات سوره کهف را بر ایشان نازل فرمود: (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۲۷۳) «وَلَا تَقُولَنَّ لِيْءِ اِنِّيْ فَاعِلٌ ذٰلِكَ غَدًا اِلَّا



أَنَّ يَشَاءَ اللَّهُ؛ (كهف: ۲۳/۱۸ و ۲۴) «و زنهاردر مورد چیزی مگوی که من آن را فردا انجام خواهم داد مگر آنکه خدا بخواهد» (مسجدی، ۱۳۹۹ش، ش ۲۲)

۴. منحصر نبودن اعجاز بیانی قرآن کریم به عرب زبانان: طرابلسی در تحلیل تاریخی اینکه چرا ۳۰۰۰ معجزه به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نسبت داده شده است، مدعی است که «وجه معجزه بودن قرآن»، «اعجاز بیانی» آن است. تنها کسانی از اعجاز بیانی قرآن کریم فایده می‌برند که عرب باشند و چون عجم زبان عربی نمی‌داند از اعجاز بیانی قرآن بهره نمی‌برد؛ بنابراین، قرآن کریم تاثیری در اسلام عجم‌ها ندارد. بدین جهت مسلمانان معجزات النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) را که حسی است و با هر زبانی قابل فهم است بر ساختند؛ بنابراین، اسلام عرب‌ها حاصل اعجاز بیانی قرآن کریم و اسلام عجم حاصل معجزات حسی بر ساخته و نسبت داده شده به پیامبر اکرم است.

به نظر می‌رسد که طرابلسی اسلام عجم را در معجزات النبی (صلی الله علیه وآله وسلم) ساختگی منحصر می‌داند در حالیکه این انحصار حداقل در باره سرزمین ایران قابل مناقشه است. تحلیل‌های جامعه‌شناختی و دین‌شناسانه، حقایقی را نمایان می‌سازد که این انحصار وجهی ندارد. حقایقی چون «انحطاط جامعه ایران از درون»، «اسارت در اعتقادات خرافی دین تحریف شده زرتشت»، «ستم‌های اجتماعی و اقتصادی اشراف و موبدان ساسانی» اشتیاق ایشان به دین نجات بخش را دو چندان ساخته بود. این عوامل به همراه مؤلفه‌های دیگری مانند «سادگی و بی‌آلایشی»، «تساهل و تسامح» و «امتیازهای اجتماعی و اقتصادی دین اسلام» سبب شد اسلام

در مدت کوتاهی در دل‌های مردم ایران جای گیرد و بدین شکل امپراتوری بزرگ باستانی ایران، به عنوان بخشی از دارالاسلام محسوب شود. (زمانی محبوب، ۱۳۸۸ ش: ۲۲)

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اندیشه «استقلال قرآن» یا «بی‌نیازی قرآن» در حوزه‌هایی چون بی‌نیازی از سنت و حدیث در تفسیر، استقلال قرآن در معارف، استقلال قرآن در احکام، انحصار معجزه پیامبر در قرآن و هر چیزی که استقلال قرآن را بیان کند، موضوع بحث قرآنیون اهل سنت معاصر است. این اندیشه از قرن سیزدهم تاکنون به شکل یک جریان پیوسته به نام قرآنیون قابل شناسایی است. جریان قرآنیون به‌ویژه در اهل سنت از رشد فزاینده‌ای برخوردار بوده و غالباً از بین روشنفکران برخی را شیفته خود کرده است. از سید احمد خان هندی در شبه قاره تا محمدتوفیق صدقی در مصر و شاخه‌های آن در سوریه، ترکیه، الجزایر، مراکش و مالزی کوشیده‌اند تا این اندیشه را شرح و بسط داده و مشکلات و مسائل موجود را بر این اساس حل نمایند. تقابل معجزات با اصل علیت، استقلال قرآن از سنت و تفکیک مفهومی نبی و رسول و تکیه مبالغه‌آمیز بر بشریت پیامبر منجر به نفی هرگونه نقشی برای پیامبر (صلی‌الله علیه وآله وسلم) شد. استدلال به اصل علیت به دلیل فهم نادرست از قانون علیت، چشم‌پوشی از عوارض نفی حجیت سنت، بی‌توجهی به قوانین تفسیر چون برخورد گزینشی با آیات جهت اثبات مدعای خود و بهره نبردن از سیاق و فهم ناتمام از اعجاز بیانی قرآن از نقدهای وارد بر مبانی نفی معجزات النبى است.

## فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن قرناس، (۲۰۰م)، الحديث و القرآن، بغداد: منشورات الجمل، كولونيا (ألمانيا).
۲. ابن عباس، عبدالله، (۱۴۲۰ق)، تنوير المقباس من تفسير ابن عباس، لبنان: بيروت، دارالكتب العلميه.
۳. ابن سينا، حسين بن عبدالله، (۱۳۷۳ش)، برهان شفاء، مترجم: قوام صفري، مهدي، تهران: فكر روز.
۴. ابن هشام، عبدالملك، (۱۴۳۰ق)، السيره النبويه، بيروت: دار ابن حزم.
۵. ابن فارس، احمد، (۱۴۴۰ق)، معجم المقاييس اللغه، قم: مكتب الاعلام الاسلامي.
۶. اخوان مقدم، زهره، (۱۳۹۶ش)، «قرآنيون و منبع شناسي»، فصلنامه سفينه، ش ۵۷، ويژه قرآن بسندگي، زمستان.
۷. اسلامبولي، سامر، (۲۰۱۸م)، نبي الاسلام غير نبي المسلمين، دمشق: دار العرب و دار نور حوران.
۸. اسلامبولي، سامر، (۲۰۱۹م)، تحرير العقل من النقل، مصر: مركز ليفانت للدارسات الثقافيه و النشر، الاسكندريه.
۹. المهدي، مصطفى كمال، (۱۹۹۰م)، البيان بالقرآن، ليبيا: الدار الجماهيرية، دارالأفاق الجديدة، البيضاء.

۱۰. اورنگی، طیبه، (۱۳۹۸ش)، «رسول و نبی در اندیشه مفسران و متکلمان؛ سیر تطور و نقد دیدگاه‌ها»، دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، ش ۲۴، بهار و تابستان.
۱۱. ایازی، سیدمحمدعلی، (۱۳۹۴ش)، قمرزاده، محسن، «نقد نظریه انحصار معجزه پیامبر در قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، سال بیستم، ش ۱، بهار.
۱۲. ایازی، سیدمحمدعلی، (۱۳۸۰ش)، چهره پیوسته قرآن: پژوهشی در علم تناسب قرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. الهی بخش، خادم حسین، (۱۴۲۱ق)، القرآن‌یون و شبهاتهم حول السنه، طائف: مکتبه الصدیق.
۱۴. آلوسی، محمودبن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیرالقرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۵. آقایی، سیدعلی، (۱۳۸۹ش)، «قرآن بسندگی و انکارحجیت حدیث»، فصلنامه معرفت کلامی، ش ۳، پائیز.
۱۶. بابایی، علی اکبر، (۱۳۹۱ش)، مکاتب تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ج ۲.
۱۷. بلخاری قهی، (۱۳۹۶ش)، مرضیه، «مکتب قرآنیون و نقد مدعای آن در عدم حجیت سنت نبوی»، فصلنامه سفینه، ش ۵۷، زمستان.
۱۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، انوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت: دارإحیاء التراث العربی.
۱۹. تجری، محمدعلی، روحی دهکردی، احسان، (۱۳۹۴ش)، «اصطلاح شناسی مبانی تفسیر»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ش ۴، صص ۹۴-۱۱۷.

۲۰. تفتازانی، سعدالدین، (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، قم: الشریف الرضی.
۲۱. جاحظ، (۲۰۰۲م)، رسائل الجاحظ، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
۲۲. حکیم، سید محمد تقی، (۱۳۹۴ش)، الاصول العامه للفقہ المقارن، قم: انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب.
۲۳. حلبی، ابوالفرج، (۲۰۰۲م)، انسان العیون فی سیره الامین الامامون المعروف بسیره الحلبیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۴. حلّی، حسن بن یوسف، (۱۴۳۰ق)، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، قم: موسسه نشر الاسلامی.
۲۵. درودی، فریبرز، (۱۳۹۱ش)، نقد منابع اطلاعاتی: شناخت مفاهیم، ساختار، ماهیت و معیارهای نقد، تهران: خانه کتاب.
۲۶. درودی، فریبرز، (۱۳۹۳ش)، «درآمدی بر انواع نقد و کارکردهای آن»، فصلنامه نقد کتاب (اطلاع رسانی و ارتباطات)، ش ۳ و ۴، زمستان.
۲۷. رشیدرضا، محمد، (۱۴۱۶ق)، تفسیر القرآن الکریم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفه.
۲۸. روشن ضمیر، محمدابراهیم، (۱۳۹۰ش)، جریان شناسی قرآن بسندگی، تهران: انتشارات سخن.
۲۹. رضائی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۹۲ش)، «بررسی تفسیر به رأی با تأکید بر نقد دیدگاه دکتر ذهبی»، دوفصلنامه تحول در علوم انسانی، دوره ۱، ش ۱، پائیز و زمستان.

۳۰. زمانی محبوب، حبیب، (۱۳۸۸ش)، «بررسی ورود اسلام به ایران»، دوفصلنامه تاریخ درآئینه پژوهش، ش ۲۸.
۳۱. سبزواری، ملاحادی، (۱۴۱۷ق)، شرح منظومه، شارح: حسن زاده آملی، حسن، ج ۱، تهران: ناب.
۳۲. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابوبکر، (۱۹۹۶م)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالفکر، الطبعة الاولى.
۳۳. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابوبکر، (۱۴۱۶ق)، البهجة المرضیه، قم: اسماعیلیان.
۳۴. ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۵. شحرور، محمد، (۲۰۰۰م)، نحو اصول جدیدہ للفقہ الاسلامی، دمشق: الاهالی للطباعة والنشر.
۳۶. شرابی، هشام، (۱۹۲۷م)، روشنفکران عرب و غرب، مترجم: عالم، عبدالرحمن، ۱۳۶۸ش، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۷. شریینی، عمادالسید، (۱۱۲۱ق)، السنة النبویة فی کتابات اعداء الاسلام، مناقشتها و الرد علیه، منصوره: دارالیقین.
۳۸. صبحی منصور، (۲۰۰۵م)، احمد، القرآن و کفی مصدرا للتشريع، مؤسسه الانتشار العربی.
۳۹. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

٤٠. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (١٣٧٥ش)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد شاک، مصر.

٤١. طرایبشی، جورج، (٢٠٠٨م)، المعجزه او سبب العقل فی الاسلام، بیروت: دار الساقی.

٤٢. طرایبشی، جورج، (٢٠١٠م)، من اسلام القرآن الی اسلام الحدیث، بیروت: دارالساقی.

٤٣. ظفرالله رندها، دکتر خالد، (١٣٨٦ش). تالیفات حجیت سنت در شبه قاره، مترجم سید زوار حسین نقوی، مجله تخصصی الهیات و حقوق، پائیز.

٤٤. عزالدین، نیازی، (١٩٩٦م)، انذار من السماء، ج ١، دمشق: الاهالی للطباعه و النشر و التوزیع.

٤٥. عسکری، مرتضی، (١٤٢٦ق)، معالم المدرستین، ج ٢، قم: مرکز الطباعه والنشر للمجمع العالمی لاهل البيت علیهم السلام، چاپ دوم.

٤٦. غزالی، محمد، (١٣٨٢ش)، تهافت الفلاسفه یا تناقض گوئی های فیلسوفان، مترجم: حلبی، علی اصغر، تهران: جامی.

٤٧. فخر رازی، محمد بن عمر، (١٤٢٠ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

٤٨. فراهیدی، خلیل بن احمد، (١٤١٠ق)، کتاب العین، قم: مؤسسه دارالهجره.

٤٩. فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، قاهره: الهیئه المصریه العامه للکتاب، (١٩٨٠م).

(م)

۵۰. قاضی عبدالجبار، (۱۴۲۲ق)، شرح الاصول الخمسه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۵۱. قدردان قراملکی، محمد حسن، (۱۳۸۰ش)، «اعجاز و جهان علیت»، فصلنامه کلام اسلامی، ش ۳۸.
۵۲. قرطبی، محمدبن احمد، (۱۳۶۴ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران.
۵۳. قونوی، اسماعیل بن محمد، (۱۴۲۲ق)، حاشیه القونوی علی الإمام البیضاوی معه حاشیه ابن التمجید، مصحح: عمر، عبدالله محمود، بیروت: دارالکتب العلمیه
۵۴. قیصری، داود، (۱۳۸۱ش)، رسائل قیصری، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۵۵. قربانلو، محمود، (۱۳۹۶ش)، «نقدی بر مبانی ویافته‌های احمدصبحی منصور در باب قرآن و سنت»، فصلنامه سفینه، سال ۱۵، ش ۵۷، ویژه قرآن بسندگی، زمستان.
۵۶. عابد الجابری، محمد، (۱۹۸۶م)، نحن والتراث، المركز الثقافی العربی، الدار البیضاء، ط ۵.
۵۷. عابد الجابری، محمد، (۱۹۹۴م)، اشکالیات الفکر العربی المعاصر، بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه.
۵۸. عابد الجابری، محمد، (۱۹۹۱م)، تكوين العقل العربی، بیروت: مرکز دراسات الوحده العربیه، ط ۴.



۵۹. عابد الجابری، محمد، (۲۰۰۰م)، بنیه العقل العربی، مرکز دراسات الوحدة العربیه، الدارالبیضاء، ط۷.

۶۰. عسکری، انسیه و رفعت، محسن، (۱۳۹۶ش)، «تحلیل انتقادی دکتر محمد شحرور در خصوص اعجاز و تحدی قرآن»، دوفصلنامه مطالعات اندیشه معاصر مسلمین، سال سوم، پاییز وزمستان.

۶۱. مرندی، محمد رضا، (۱۳۸۱ش)، «ظهور تجدید نظر طلبی»، ماهنامه زمانه، ش ۴ و ۳.

۶۲. مسجدی، فاطمه، مهریزی، مهدی؛ حجتی، محمد باقر، (۱۳۹۷ش)، تحلیل محتوایی کتاب من اسلام القرآن الی اسلام الحدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

۶۳. مسجدی، فاطمه، (۱۳۹۹ش)، «بررسی و نقد دیدگاه جرج طرابیشی در انحصار رسالت پیامبر اکرم (ص) به ابلاغ وحی»، مهریزی، مهدی؛ حجتی، محمد باقر، دوفصلنامه کتاب قیم، ش ۲۲، سال دهم، بهار و تابستان، ۱۳۹۹ش.

۶۴. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۶۵ش)، معارف معارف قرآن، قم: موسسه در راه حق.

۶۵. مصطفوی، حسن، (۱۴۳۰ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۶۶. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۳ش)، تفسیرنمونه، با همکاری جمعی از نویسندگان، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۶۷. میرشمسی، صدیقہ، (۱۳۸۳ش)، حجیت ظواہر آیات قرآن کریم، مقالات و بررسی‌ها، دفتر ۷۵ (۱)، بہار و تابستان.
۶۸. نسفی، عبداللہ بن احمد، (۱۴۱۶ق)، نسفی النسفی مدارک التنزیل حقائق التأویل، بیروت: دارالفنائس.
۶۹. ہندی، سید احمد خان، (۱۳۳۲ش)، القرآن و هو الہدی و الفرقان، مترجم: محمد تقی فخر داعی گیلانی، تہران: انتشارات علمی.

70. Khalifa, Rashad, ۱۹۸۲, Quran, Hadith, Islam and Imam, U. S. A :Mosque of Tucson, Arizona.
71. Yuksel, Edip, ۲۰۰۹, Manifesto for Islamic Reform, Brainbow Press.
72. Kassim, Ahmad, ۱۹۹۷, Hadith are Evaluation, Translated from the Malay original by Syed Akbar Ali.